

### چکیده

تجرد به معنای زندگی فردی است و در مقابل زوجیت مطرح می‌شود؛ ازاین‌رو، منظور از تجرد در این پژوهش مجردزیستی است؛ به این معنا که زندگی مشترک زوجیت در میان نیست، بلکه اصل اولیه بر نیازمندی انسان به دیگران و زوجیت پس از سنین بلوغ است و تجرد برخلاف این اصل است؛ به این سبب، تجرد آسیب‌های متعددی دارد که در این مقاله می‌کوشیم تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، به بررسی آثار منفی مجردزیستی از دیدگاه آیات و روایات بپردازیم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آثار سوء تجرد در منابع دینی بیشتر از زاویه‌ی اهمیت ازدواج مطرح شده است؛ زیرا هر اندازه که ازدواج مطلوب و مفید باشد، طبعاً به همان اندازه تجرد می‌تواند نامطلوب و مضر تلقی شود. بر اساس رویکرد قرآنی و حدیثی، تجردگرایی در دو بعد فردی و اجتماعی، آثار متعدد زیان‌باری دارد؛ به‌طوری‌که تجرد در بعد فردی با آثار سوئی چون تکامل نداشتن انسان، نداشتن آسایش، پیروی نکردن از انبیا، محرومیت از بزرگ‌ترین نعمت، سوء فرجام و افتادن در گناه همراه است و در بعد اجتماعی آثاری چون گسترش فساد اخلاقی، به‌هم خوردن نظام خانواده و اجتماع، تهدید امنیت اجتماعی و بروز ناهنجارهای اجتماعی را در پی دارد. راه‌حل همه‌ی این مشکلات در تأسیس، تحکیم و تسهیل نهاد خانواده نهفته است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که تجرد چه آثار سوء تربیتی به دنبال دارد؟ که پاسخ به آن علاوه بر توسعه‌ی آگاهی افراد، به نهادها و مراکز حفظ ارزش‌های دینی و تربیتی نسبت به عواقب پدیده‌ی تجردگرایی هشدار می‌دهد.

### عبدالله گوهری طالع

سطح ۴ فقه و اصول حوزه‌ی علمیه‌ی

قم و دکتری فقه تربیتی جامعه‌المصطفی

العالمیه قم (نویسنده‌ی مسئول).

gohari.tale@gmail.com

### علی تردست

سطح ۴ فقه و اصول حوزه‌ی علمیه‌ی

قم و دانشجوی دکتری دانشگاه معارف

اسلامی قم.

tardast13600@gmail.com

### واژگان کلیدی:

تجرد، آثار سوء، تربیت، قرآن،

حدیث.

تجردگرایی به معنای انتخاب زندگی مجردی و اختیار نکردن همسر است. منظور ما از تجرد، زندگی مجردی است؛ بنابراین، گاهی یک فرد زندگی جمعی دارد؛ اما مجرد به شمار می‌آید؛ به تعبیر دیگر، منظور هر فردی است که در حال حاضر هیچ‌گونه شریک زندگی، به صورت رسمی قانونی و شرعی انتخاب نکرده است، ولو اینکه به صورت گروهی زندگی کند؛ از این رو، تجردگرایی به معنی گرایش به زندگی فردی و اختیار نکردن زوجیت است.

شناخت و بررسی آسیب‌های یک مسئله اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا برای پیشگیری و اصلاح یک معضل، باید عوامل پیدایش، نوع زمینه‌ها و میزان تخریب آن شناسایی شود تا بتوان برای پیشگیری و درمان به راهکارهای جامع و کارآمد دست یافت. چنانچه یک مسئله بتواند در ابعاد مختلف آسیب‌زا باشد، این ضرورت را تشدید می‌کند که پژوهش‌های علمی در رابطه با آن مسئله صورت گیرد. مسئله‌ی مجردزیستی در سال‌های گذشته به‌عنوان یک فرهنگ مدرن و به تبع تغییر سبک زندگی رواج پیدا کرد و در حال تبدیل شدن به یک فرهنگ عمومی در جوامع شرقی و اسلامی است، در حالی که با تغییر نگرش افراد، مجردزیستی به‌عنوان یک ارزش و ازدواج به‌عنوان یک ضدارزش تبدیل خواهد شد؛ زیرا جایگزینی رفاه‌طلبی و آسایش به جای سعادت‌طلبی و آرامش، جامعه را به این سو سوق داده است. از دیدگاه اسلام تفکر مجردزیستی می‌تواند در ابعاد گوناگونی آسیب‌زا باشد و جامعه را با بحران روبه‌رو کند.

از نظر تاریخی، تجردگرایی از دوران حاکمیت کلیسا در اروپا آغاز می‌شود. این متولیان کلیسا بودند که تجردگرایی را به‌عنوان یک آموزه‌ی دینی تبلیغ و ترویج کردند تا از آن برای تربیت جنسی و مهار سرکشی‌های انسان استفاده کنند. این نظریه در اعصار گذشته و در میان آیین‌ها و مکاتب بشری دیگر نیز مورد توجه بوده است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به رهبانیت و تجردطلبی در هند (آیین برهما، آیین جین و آیین بودا)، چین، ایران باستان، یونان مانند مکتب سینی‌سیزم یا کلیون و یهود (فرقه‌ی اسنیس) اشاره کرد (چراغ‌چشم، ۱۳۸۳، ص ۲۴-۲۵).

در مکاتب توحیدی، تجرد هرگز توصیه نشده، بلکه همواره به رفع زمینه‌ها و عوامل آن و نیز توجه به ازدواج تأکید و سفارش گردیده و با موانع آن مبارزه شده است و اصولاً بخشی از برنامه‌های هدایت‌بخش پیامبران آموزش آداب زندگی اجتماعی مطلوب و سالم در قالب تشکیل خانواده بوده است و از این رو، نسبت به آثار سوء تجرد هشدار داده اند؛ همچنین یکی از راهکارهای اسلام برای تکامل روحی و تربیت معنوی انسان‌ها ازدواج و تشکیل خانواده است و در اسلام برای تأسیس نهاد خانواده ارزش فراوان قائل شده است تا آنجا که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: «وَقَالَ النَّبِيُّ<sup>(ص)</sup> مَنْ أَحَبَّ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجِ؛ هرکس سنت من را دوست داشته باشد، سنت من تزویج است» (احسائی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۸۳).

از منظر احادیث، فرهنگ ازدواج مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی، روانی، تربیتی و معنوی بشر است که نیازهای عاطفی و غرایز جنسی انسان‌ها را به شکل انسانی، طبیعی و البته دینی تأمین می‌کند. ازدواج محبوب‌ترین و عزیزترین نهاد بشری نزد خداوند اعلام شده است و بدین منظور، احادیث فراوانی راجع

به اهمیت ازدواج در منابع فقهی بیان گردیده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۹).

مطابق آیات قرآن، همه‌ی پدیده‌های هستی و ماسوی‌الله زوج‌اند و انسان نیز از این قانون طبیعی مستثنا نیست. اسلام فرهنگ ازدواج را اسباب حفظ فرد و جامعه و نردبان برای رسیدن به سعادت و کمال قرار داده است و آن را یکی از راه‌های تربیت انسان معرفی می‌کند و بر استحکام زوجیت و حتی واسطه‌گری در موضوع ازدواج تأکید می‌ورزد و با بیان آثار تربیتی و برکات فراوان آن، جوانان را به ازدواج ترغیب می‌نماید و در مقابل، تجرد را نکوهش می‌کند؛ زیرا تبعات و پیامدهای نامطلوب تربیتی آن فرد و جامعه را دچار خسران می‌نماید و به ناهنجاری‌های غیرقابل‌جبران منجر می‌گردد. در مقابل، مسیحیت فرهنگ تجرد را قداست بخشیده و به سرکوب کردن غریزه‌ی جنسی که ودیعه‌ی الهی در نهاد بشر است، اقدام کرده است؛ همچنین جریان‌های انحرافی در این زمینه تلاش می‌کنند تا مسیر طبیعی تولید و بقای نسل و نیز تشکیل کانون خانواده را به بیراهه و سراب تنهایی و مسئولیت‌گریزی بکشانند. بر اساس همین، به هر میزان که بشریت از فرهنگ و آموزه‌های توحیدی ناب فاصله گرفته باشد، در انحطاط اخلاقی و فساد جنسی غوطه‌ور شده‌اند؛ برای نمونه کافی است به محیط جوامع غربی در این زمینه تأمل شود که چگونه حاکمیت فضای غیردینی و شرکت‌های تجاری و تولید کالا جوانان را بیش از هر زمان دیگر، به سوی تجردگرایی، برهنگی و بزهکاری سوق می‌دهند و از طرفی، گسترش برخی آداب و رسوم غلط اجتماعی و انتظارات غیرواقعی از روابط همسری در جوامع مسلمان، هزینه‌های ازدواج را آن‌چنان بالا برده است که جوان‌ها از تأمین آن‌ها ناتوان شده‌اند، به‌ویژه با توجه به وضعیت معیشت و مشکلات اقتصاد، عملاً تجردگرایی تبدیل به فرهنگ می‌شود.

با توجه به آنچه توضیح داده شد، لازم است این پرسش به‌صورت کلی پیگیری شود: تجرد از دیدگاه قرآن و احادیث چه آثار سوء و نامطلوبی دارد؟ و به تبع آن، در دو بعد دقیق به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که از دیدگاه قرآن و روایات، تجرد چه آسیب‌های فردی و چه آسیب‌های اجتماعی را در پی دارد؟

به‌طور مسلم، بیان و برجسته کردن این آثار می‌تواند از یک سو، اهمیت مسئله‌ی تجرد را در دیدگاه احادیث برجسته کند و از سوی دیگر، عواقب و مخاطرات ناگوار آن را به‌صورت مشخص و ملموس نشان بدهد. با این ملاحظه، نوشتار پیش رو می‌کوشد پاسخ این پرسش را با روش تحلیلی-توصیفی و با رویکرد قرآنی و حدیثی بررسی کند تا آثار سوء تربیتی و فرهنگی این پدیده‌ی غیردینی فرد و جامعه را به‌مرور زمان در خطر سراسیمگی و سقوط قرار ندهد.

## روش تحقیق

روش تحقیق به دیدهی هدف در این مقاله توصیفی-تحلیلی است، به این صورت که ابتدا به توصیف و ارائه‌ی مطالب موجود و مواد اولیه پرداخته می‌شود و سپس با تحلیل همه‌ی یافته‌ها، به استخراج نتایج نهایی می‌پردازد. روش گردآوری مطالب اسنادی نوشتاری است، به این صورت که از آیات، روایات، تفاسیر و منابع مکتوب مطالب موردنیاز را به‌دست می‌آوریم و روش داده‌پردازی

آمیزه‌ای تلیقی است؛ به این معنا که با ترکیب اسناد تاریخی، نقلی، وحیانی و عقلی به نتایج نهایی دست می‌یابیم.

### پیشینه‌ی پژوهش

بنا بر تحقیقات انجام‌شده، تاکنون پژوهش مستقلی در این باره صورت نگرفته است؛ زیرا مسئله‌ی مجرد زیستی به‌عنوان یک پدیده‌ی نوظهور در جوامع روبه‌گسترش است؛ اما برخی از نویسندگان به‌صورت کلی به این مسئله اشاره کرده‌اند؛ ازجمله: کتاب نظام خانواده در اسلام از آقای محمدرضا سالاری فر که به‌صورت کلی اشاره‌ای به موضوع داشته‌اند؛ مثلاً در این کتاب می‌نویسد: بی‌توجهی نسبت به ارضای نیاز محبت یکی از علل ناسازگاری‌ها و مشکلات روانی مردم است که هم‌هی نظریه‌پردازان آسیب‌شناسی روانی به‌عنوان عاملی مهم بر آن تأکید می‌کنند؛ همچنین در این کتاب می‌گوید: ارضای نیازهای انسان در سلامت روانی و جسمانی او مؤثر است... ازدواج و تشکیل خانواده نیز به‌عنوان ضرورتی زیستی روانی و اجتماعی، ابزار مناسبی برای زندگی مرفه و آرام محسوب می‌شود؛ اما مزیت این پژوهش چنین است که به دنبال بررسی تخصصی موضوع از دیدگاه اسلام هستیم که تلاش می‌گردد به تبیین همه‌جانبه‌ی آسیب‌های موضوع پرداخته شود.

«آسیب‌شناسی خانه‌های مجردی» پایان‌نامه‌ی سطح سه حوزه‌ی علمیه از حسین زاهدی است که در این پایان‌نامه به مسئله‌ی مجردزیستی پرداخته شده است؛ اما اصل موضوع به چالش‌های خانه‌های مجردی می‌پردازد؛ ازاین‌رو، به‌صورت کلی، در برخی از مطالب به آثار سوء مجرد اشاره می‌کند. امتیاز این مقاله چنین است که به‌صورت منسجم و جامع به مسئله‌ی مجرد و آثار سوء آن از دیدگاه آیات و روایات می‌پردازد.

مقاله‌ی «آسیب‌های فردی زندگی مجردی» از کریم دژبرار است و نویسنده در این مقاله، به آسیب‌های فردی از دیدگاه منابع اسلامی و علوم اجتماعی پرداخته است، درحالی‌که ما می‌کوشیم به دو بعد فردی و اجتماعی آسیب‌های مجرد زیستی بپردازیم؛ ازاین‌رو، تحقیق پیش رو به‌صورت جامع و منسجم، به همه‌ی ابعاد آثار سوء مجرد می‌پردازد.

### مفهوم‌شناسی

#### ۱. مجرد

تجرد، مصدر و به معنای برهنه کردن و عریان شدن از لباس، همچنین به معنای همسر نداشتن است (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۴؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۹۱؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۶؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۵۲). معنای مترادف آن یعنی مجرد نیز در لغت، مصدر و به معنای بی‌همسر بودن است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۱۰؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۲۰) و شاید معنای اصلی آن همان برهنگی از لباس است؛ اما ازآنجا که در قرآن کریم از زن و مرد به‌صورت کنایه به‌عنوان لباس همدیگر یاد گردیده، از شخص بدون همسر نیز به مجرد تعبیر شده و این اصطلاح استقرار یافته است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷)؛ بنابراین، احتمال

دارد وجه تسمیه‌ی فرد «بدون همسر» به «مجرد» ناشی از این تعبیر قرآنی درباره‌ی همسران است.

## ۲. آثار سوء

منظور از آثار سوء روشن است؛ اما چنانچه در ترکیب با مجرد/تجردگرایی استفاده شود، مراد از آن، مجموعه‌ای از پدیده‌های منفی و نامطلوب فردی و اجتماعی است که به سبب اجتناب از انتخاب همسر و تشکیل نهاد خانواده، بر فرد و یا اجتماع مترتب می‌گردد؛ به عبارت دیگر، آثار سوء تربیتی عبارت از مواجه شدن با پدیده‌های ذیل است: مجموعه‌ای از پیامدهای ناروای تربیتی به‌منظور کاهش تربیت معنوی، از میان بردن فضایل و ایجاد رذایل اخلاقی، دگرگون کردن استعدادهای آدمی و منحرف کردن از رسیدن به هدف مطلوب تربیتی و تکامل انسانی که مجرد در فرد، خانواده و جامعه به بار می‌آورد.

### ۱. آثار و پیامدهای نامطلوب مجرد

پیامدهای نامطلوب تربیتی مجرد که در نصوص دینی مورد توجه و تصریح قرار گرفته‌اند، ارشاد به این واقعیت ملموس است که بدون تشکیل خانواده و زندگی در کانون گرم آن، زندگی فردی و اجتماعی انسان در معرض انواع فساد و بحران قرار دارد که می‌توان آن‌ها را در دو بعد فردی و اجتماعی شناسایی و بررسی کرد:

#### ۱.۱. آثار نامطلوب فردی

از آثار سوء تربیتی مجرد و نامطلوب آن در بعد فردی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

#### ۱.۱.۱. تکامل نداشتن دین

شارع مقدس ازدواج را مایه‌ی تکمیل دین و اتمام عبادت معرفی کرده است. ابن‌عباس از پیامبر<sup>(ص)</sup> نقل می‌کند که فرمود: «قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ<sup>(ص)</sup>: لَا يَتِمُّ نُسُكُ النَّاسِكِ حَتَّى يَتَزَوَّجَ (احسائی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۹۰)؛ عبادت عابد تا ازدواج نکرده است، کامل نمی‌گردد.»

مطابق روایت، ازدواج کامل‌کننده‌ی عبادت شمرده شده و بدون آن عبادت ناقص و ناتمام است. راز ناتمامی عبادت بدون ازدواج آن است که غالباً شهوت بر نفس غلبه می‌کند و قلب را از عبادت منصرف می‌سازد و از این‌رو، تا دل فارغ از امیال نگردد، عبادت تمام نمی‌شود (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۷). بر اساس تقریر «مذهب الاحکام»، ازدواج از آن‌رو در تکمیل دیانت فرد نقش دارد که با فضیلت‌ترین نهاد در سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> است و کسی که نسبت به آن سهل‌انگاری و اهمال کند، نسبت به اعظم سنت‌ها بی‌اعتنایی کرده است: «و الظاهر أنَّ مراده: لا يكتمل نسك الناسك حتى يتزوج، لأنَّ التزوّج أفضل السنن و لا يكون نسك الناسك كاملاً مع إهماله أعظم السنن» (حلی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۶۵).

افزون بر روایات تکمیل دین با ازدواج، روایات درباره‌ی تشویق و سفارش به ازدواج فراوان هستند. مفاد این روایات در مجموع، اهمیت ازدواج از دیدگاه دینی را روشن می‌کند و گویای آن است که ازدواج در سلامت و کمال دین نقش دارد.

در روایت دیگر، امام صادق<sup>(ع)</sup> قضیه‌ای را نقل می‌کند که مردی به حضور پدرش امام باقر<sup>(ع)</sup> شرفیاب

شد و امام فرمود: هرکس زن نداشته باشد، همه‌ی دنیایی که دارد و حتی عبادات او ارزش لازم را ندارد: «عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> فَقَالَ لَهُ هَلْ لَكَ مِنْ زَوْجَةٍ فَقَالَ لَا فَقَالَ أَبِي وَ مَا أَحَبُّ أَنْ لِيَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ أَنِّي بَتُّ لَيْلَةً وَ لَيْسَتْ لِي زَوْجَةٌ ثُمَّ قَالَ الرَّكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ عَزَبٍ يَقُومُ لَيْلَهُ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۴)؛ مردی پیش پدرم آمد و پدرم از او پرسید: آیا همسر داری؟ عرض کرد: نه، پدرم به او گفت: دوست ندارم دنیا و هر آنچه را در آن است، داشته باشم؛ اما یک شب را بخوابم، ولی همسر نداشته باشم. بعد فرمود: دو رکعت نمازی که مرد متأهل بخواند، بهتر است از مرد مجردی که شب را به عبادت و روز را به روزه‌داری سپری کند.» در مورد دیگر از پیامبر <sup>(ص)</sup> روایت شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ <sup>(ص)</sup> مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْآخَرَ أَوْ الْبَاقِي (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۳۲۸)؛ کسی که ازدواج کند، نصفی از دین خود را محکم نگاه داشته است و در نگهداری نیمه‌ی دوم باید تقوا پیشه کند.» آنچه از این روایت برداشت می‌شود، اینکه دین فرد مجرد محکم نیست و هر لحظه در خطر حمله‌ی شیطان قرار دارد. دلیل استفاده از این تعبیر که نصف دین با ازدواج حفظ می‌گردد، این است که انسان‌ها بیشتر به دو علت به گناه و خطا کشیده می‌شوند و دین‌داری آنان آسیب می‌بیند: نخست، شهوات نفسانی و دوم، تأمین نیازها برای خوراک و پوشاک. معلوم است کسی که ازدواج می‌کند، نیمی از نیازهای خویش را تأمین کرده است و آن‌چه باقی می‌ماند، نیم دیگر آن است که باید آن را با کار و تلاش و تعهد به ارزش‌های دینی تأمین کند (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳، ص ۹).

#### ۲.۱.۱. نقص در تربیت

در امتداد رشد جسمی، دو نوع جاذبه‌ی فطری معنوی و جاذبه‌ی جنسی، به‌ویژه در دوره جوانی پدیدار می‌گردد. بر اساس حکمت و مصلحت الهی، وجود هر دو جاذبه‌ی بالا برای تکامل و تربیت انسان لازم و ضروری است. ازدواج راه صحیح ارضای این دو جاذبه‌ی تکوینی است که افراد مجرد غالباً نمی‌توانند این غرایز را از راه صحیح آن اشباع کنند؛ پس دومین اثر سوء تجرد نقصان در تربیت است که شخص بدون همسر گرفتار اضطراب، بحران‌ها و هیجانات روحی است و آرامش لازم را ندارد. این موضوع به‌صراحت در این آیه‌ی شریفه مطرح شده است: «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱). عبارت «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» به ارضای صحیح غرایز جنسی اشاره دارد. همچنین پیام آیه‌ی «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷) این است که تجرد موجب می‌شود غرایز فطری و جنسی زن و مرد در مسیر غلط قرار بگیرد؛ زیرا در واقع، افراد مجرد عاری از پوشش و عفاف هستند و همسر انسان را در برابر امواج و طوفان گناهان حفظ می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر، دوری از لباس مایه‌ی رسوایی است، دوری از ازدواج و همسر نیز گاهی سبب انحراف و رسوایی انسان می‌گردد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۹۲).

#### ۳.۱.۱. نداشتن آسایش

بر اساس نص قرآن کریم، یکی از آثار سوء تجرد، نداشتن آسایش و راحتی انسان است. از دیدگاه شرع، همسر مایه‌ی آرامش و آسایش انسان است: «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم: ۲۱). روشن است زندگی‌ای که در آن آرامش، مودت و مهربانی

نباشد، تلخ و ناراحت کننده است و ارمغان ازدواج تشکیل کانون محبت و گرم خانواده است. این محیط بستر زندگی اجتماعی انسان است و انسان بدون ارتباط با اجتماع، در انزوا اصلاً نمی تواند زندگی کند و دوم، بدون خانواده نمی تواند زندگی آرام و با مهر و محبتی داشته باشد. مطابق برخی از روایات، سه چیز وسیله ی آرامش مؤمن بیان شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِنَّ رَاحَةٌ... وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ...» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۲۱۸) که یکی از آن ها، همسری است که او را در امر دنیا و آخرت یاری می کند. مضمون روایت تأییدکننده ی آیه ی ۲۱ روم است.

نبود همسر آرامش را از وجود انسان سلب می نماید و اسباب اضطراب، نگرانی، غم و غصه، دلهره و در يك کلمه نبود امنیت روانی را فراهم می آورد، درحالی که ازدواج طغیان ها را تعدیل می کند، نفس سرکش آدمی را آرام می سازد، روح پرتلاطم جوان را آرامش می بخشد و در پیشامدها و ناملایمات سپر قوی و پناهگاه فکری و روانی انسان است (مظاهری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۶۷).

#### ۴.۱.۱. کنار گذاشتن راه انبیا

ازدواج یکی از تعالیم انبیا و سنت قطعی ایشان است؛ ازاین رو، همواره به آن گوشزد نموده اند. بر اساس این، اگر تجرد جایگزین ازدواج شود، عملاً با تعالیم و سنت انبیای عظام مخالفت شده است. معنای این سخن آن است که انسان مجرد با ترک ازدواج، به نوعی خود را از طریق هدایت و سعادت منحرف ساخته و با دوری از سنت انبیا، باب تکامل و هدایت را به روی خود بسته است و به سوی بی بندوباری و شهوت سوق داده می شود که نتیجه ی آن چیزی جز هلاکت و نابودی انسان نیست؛ ازاین رو، هرگاه تجرد این آثار را به دنبال داشته باشد، می توان به حرمت ترک ازدواج حکم کرد. چنان که در روایات آمده است ترک ازدواج سرپیچی از سنت و سیره ی انبیا و بازمانده از حق است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰) و در روایتی که مضمون آن میان فریقین مورد اتفاق است، ازدواج از سنت های پیامبر (ص) معرفی شده است و کسانی که عمداً از آن سرپیچی کنند، توبیخ شده و پیامبر از آنان تبری جسته است: «فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۶)؛ هرکس از سنت من رو برگرداند، از پیروان من نیست.» صاحب جواهر معتقد است که خود این روایت متفق بین فریقین است. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۹، ص ۱۲).

در برخی روایات، به جای سنت، تعبیر به فطرت شده است و بعید هم نیست که هر دو تعبیر درست باشد و سنت ازدواج بخشی از فطرت نبوی باشد: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ عَلَى فِطْرَتِي فَلْيَسْتَنْ بِسُنَّتِي - وَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي النَّكَاحَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۰۷). به طور طبیعی، اتفاق فریقین بر مضمون واحد و نیز روایات متفرقه ی دیگر در این زمینه نمی تواند تصادفی باشد. لازمه ی این تحلیل، اطمینان بر صدور حدیث و اهمیت ازدواج در سنت و سیره ی مبارک پیامبر مکرّم اسلام (ص) و بلکه پیوند مستحکم آن با فطرت نبوی است.

#### ۵.۱.۱. محرومیت از یکی از بهترین نعمت های الهی

امام صادق (ع) در جواب از این پرسش که کدام لذت از همه بهتر است، فرمود: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: أَلَذُّ الْأَشْيَاءِ مُبَاضَعَةُ النِّسَاءِ» و یا «مَا تَلَذَّدَ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ بِلَذَّةٍ أَكْثَرَ لَهُمْ مِنْ لَذَّةِ النِّسَاءِ»؛ مجامعت کردن با همسر از همه چیز لذیذتر است. مردم در دنیا و آخرت از هیچ چیز



به اندازه‌ی روابط جنسی لذت نمی‌برند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۳ و ج ۷، ص ۶۷).  
با این توصیف، یکی از آثار سوء تجرد محروم شدن از این نعمت الهی است که عواقب آن موجب وارد آمدن آسیب‌های روحی و اخلاقی به انسان و بازماندن او از تکامل است.

#### ۶.۱.۱. مرگ سوء

مرگ افراد مجرد در روایات، به بدترین مرگ‌ها لقب گرفته است. انسان مجرد هنگام جان دادن، با بدترین حالت خدای متعال را ملاقات می‌کند و با بدترین وجه از دنیا می‌رود. در روایت آمده است: «عَنْ مُحَمَّدِ الْأَصَمِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): رُدَّالُ مَوْتَاكُمْ الْعُرَابُ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰)؛ پست‌ترین مردگان شما افراد مجرد هستند؛ و در روایت دیگر آمده است: «بدترین و شریف‌ترین مردگان شما مجردها هستند. اگر قرار بر این بود که مردگان مجرد به دنیا برگردند، هرآینه ازدواج می‌کردند» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۷۴؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۵۷). در روایتی از پیامبر (ص) آمده است: «وَقَالَ النَّبِيُّ (ص) مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مَطْهَرًا فَلْيَلْقَهُ بِرُؤُوحَةٍ... (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۵)؛ هرکس که دوست دارد خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند، پس باید به‌وسیله‌ی همسرش ملاقات کند؛ یعنی ازدواج نماید تا خدای متعال را پاک و طاهر ملاقات کند. آنچه در لحظه جان دادن به انسان کرامت و عزت می‌بخشد، ازدواج کردن است. تجرد در این عالم حتی تا لحظه‌ی رفتن از دنیا هم مایه‌ی سر افکندگی است.

#### ۷.۱.۱. ترویج و بسط معاصی

یکی از آسیب‌های سوء تربیتی تجرد ترویج فرهنگ گناه و معصیت است. در اثر تجرد، غریزه جنسی در مسیر طبیعی خود قرار نمی‌گیرد و فرد را به انحراف و ارتکاب گناه وامی‌دارد و زمینه‌ی سایر معاصی را برای وی فراهم می‌آورد. این امر روند تربیت‌پذیری را مختل می‌سازد و به تدریج فرد را از مسیر هدایت خارج می‌سازد. با نگاه دقیق به آثار نامطلوب بالا، باید گفت تجرد به‌مرور پرده‌ی عصمت را می‌درد و مسیر را برای گناه و معصیت مهیا می‌سازد؛ از این رو، پیامبر به شخصی که اصرار بر مجرد ماندن داشت، فرمود: «ازدواج کن؛ زیرا اگر مجرد باشی، تو از گناهکاران هستی»؛ و در جای دیگر فرمودند: «رُويَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعُرَابُ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۸۶)؛ از رسول خدا (ص) روایت شده است که بیشترین اهل آتش جهنم، مجردها هستند.»

#### ۸.۱.۱. از نفرین‌شدگان

لعن و نفرین در شرع مقدس در موارد بسیار مهم و حساس به‌کار رفته است. صاحب مجمع‌البیان معتقد است لعن کسی که مستحق عذاب نباشد، جایز نیست (طبرسی ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۳۵)؛ بنابراین، در موارد محدودی مانند کسانی که حق را انکار کنند (کفار، منافقان، ستمکاران و ناقضین پیمان) واژه‌ی لعن و نفرین استعمال شده است (بقره: ۱۵۹، توبه: ۶۸، رعد: ۲۵، غافر: ۵۲، فتح: ۶)؛ همچنین درباره‌ی کسی که ازدواج نمی‌کند نیز واژه‌ی لعن به‌کار رفته است: «قال رسول الله (ص): أربعة يلعنهم الله من فوق عرشه و يؤمنون الملائكة رجل يتحفظ نفسه؛ و لا يتزوج و لا جارية له كيلا يكون له ولد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۵۶)؛ خدای متعال از بالای عرش چهار گروه را مورد لعن و نفرین قرار می‌دهد و ملائکه بر این لعن آمین می‌گویند. از جمله‌ی آن گروه، کسانی هستند که به خاطر



آنکه صاحب فرزند نشوند، ازدواج نمی‌کنند و همچنان مجرد باقی می‌مانند؛ بنابراین، یکی از آثار سوء تجرد آن است که فرد مجرد مورد لعن خدای متعال قرار گرفته است؛ از این رو، روایت بر حرمت یا دست‌کم کراهت شدید تجرد دلالت دارد.

## ۲. آثار نامطلوب اجتماعی

تجرد علاوه بر آثار سوء تربیتی در بعد فردی، در بعد اجتماعی نیز آثار سوئی برجا می‌گذارد که در ادامه به اختصار بررسی می‌شود.

### ۱.۲. ترویج فساد در اجتماع

با شیوع تجرد، آثار و پیامدهای سوء اجتماعی و مشخصاً فساد اجتماعی رواج می‌یابد و به مرور نهادینه می‌شود. تجردگرایی با کنار نهادن ازدواج، راه را برای برقراری روابط نامشروع و خارج از چارچوب‌های رسمی فراهم می‌سازد و در عمل، موجب گسترش فساد و فحشا میان زنان و مردان می‌گردد.

زن مجرد خود را در محیط اجتماع آزاد و رها می‌بیند و از سوی دیگر، هیجانانگیزی و شهوانی به صورت طبیعی به او فشار می‌آورد و این امر در نهایت، سبب ارتباط با نامحرم و از دست رفتن عفت و پاک‌دامنی او می‌شود. دختری که عفت را از دست داده و به آسانی لذت‌ و کامیابی را بدون هیچ قیدوبندی چشیده است و دنبال تنوع و لذت‌گرایی است، هیچ‌وقت تن به ازدواج نمی‌دهد. در روایت آمده است: «الْعِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ حَيْرٍ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۶)؛ یا «الْعِفَّةُ تُضَعِّفُ الشَّهْوَةَ» (همان، ص ۲۵۵)؛ پس بی‌عفتی سرمنشأ همه‌ی بدی‌ها است و شهوت را تقویت می‌کند.

بی‌عفتی در میان زنان به نوعی از رقابت بی‌پایان در نشان دادن اندام و تحریک مردان هوس‌باز تبدیل می‌شود که ارمغانی جز ترویج فساد و آلوده ساختن روح و روان جوانان ندارد، درحالی‌که آنچه زن را از بی‌عفتی حفظ می‌کند، شوهردار بودن است. شوهر مانند حصار، محافظ زن است؛ از این رو، به زنی که با ازدواج عفت خود را حفظ می‌کند، محصنه اطلاق می‌شود (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۴۹). گفتنی است امکان دارد زنی در عین تجرد، عفت خود را هم حفظ کند؛ اما در جامعه‌ی امروزی این کار سخت شده است.

مرد مجرد نیز به نوعی دیگر در ترویج فساد اجتماعی دخیل است. وی به سبب تحت‌فشار قرار گرفتن هیجانانگیزی با از دست دادن حمیت و غیرت، در برابر هر فسق و فجوری سر تعظیم فرود می‌آورد و عملاً به ترویج فساد کمک می‌کند. بی‌غیرتی دین، عرض، اولاد و اموال را از انسان می‌گیرد و بعضاً به شهوت‌پرستی منجر می‌شود؛ بنابراین، هنگامی‌که همسر این افراد مورد استفاده‌ی دیگران قرار می‌گیرد، ناراحت نمی‌گردد، بلکه احیاناً لذت هم می‌برد.

مطابق روایت «ما زنی عیور قَطُّ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۵)، انسان غیور هرگز دامن خود را به زنا آلوده نمی‌کند و راضی نمی‌شود که دامن ناموسش هم آلوده گردد. غیرت از صفات خداوند متعال، پیامبران و مؤمنان است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۷۶).

در روایت دیگری، امام صادق<sup>(ع)</sup> از آباء بزرگوارش روایت کرده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ ع قَالَ: قَالَ عَلِيٌّ<sup>(ع)</sup> إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْيَعْرِزْ - وَ مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۳۸)؛ خداوند نسبت به مؤمن غیرت دارد که باید با غیرت باشد. دل مرد بی‌غیرت سرنگون است.» با سرنگونی دل و

قلب، زندگی او نیز در حد زندگی حیوانی تنزل پیدا می‌کند.

اگر ریشه‌ی تجردگرایی خشکانده شود، بخش مهمی از فحشا و فساد اخلاقی در جامعه از میان خواهد رفت. کسانی که خواسته یا ناخواسته، مقدمات فرهنگ تجرد و دیر ازدواج کردن و یا فرهنگ آزادی جنسی را در جامعه فراهم می‌سازند، در فساد و انحرافات اخلاقی و در نتیجه، وزر و وبال آن شریک و سهیم هستند.

## ۲.۲. گسست نظام خانوادگی

اثر سوء دیگری که تجرد در سطح اجتماع به بار می‌آورد، ازهم‌پاشیدگی نظام خانواده است. با ترک ازدواج و ارضای غرایز جنسی از مجرای غیرشرعی، شخص به تشکیل خانواده فکر نمی‌کند و اگر خانواده‌ای هم شکل گرفته باشد، به‌مرور ارکان آن فرومی‌ریزد؛ زیرا شخص نیازهای خود را در خارج از محیط خانه تأمین می‌کند. در واقع، با حاکمیت روحیه‌ی افسارگسیخته‌ی لذت‌طلبی در جامعه، بنیان هر نهاد شرعی و عرفی از هم می‌پاشد که نهاد خانواده نیز از این قاعده مستثنا نیست و امروزه این واقعیت را می‌تواند در غرب بالعیان مشاهده کرد؛ بنابراین، در روایات آن‌قدر بر امر ازدواج و تشکیل خانواده تأکید شده است که حتی تأخیر در امر ازدواج را صلاح نمی‌داند تا نظام اجتماعی به فساد کشانده نشود و حریم خانوادگی حفظ گردد. اینکه شرع نسبت به فساد کشیده شدن دختران و پسران در صورت تأخیر در ازدواج، هشدار و تنبه می‌دهد، برای حفظ نظام خانواده است.

## ۳.۲. تهدید امنیت اجتماعی

یکی از آثار سوء تجرد در این است که امنیت و آرامش را در سطح خانواده و جامعه تهدید می‌کند. روایت ذیل بیان شرایطی است که برخی نادانسته می‌خواستند با تجرد و گوشه‌گیری، مسلمانی خود را معنا کنند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «إِنَّ ثَلَاثَ نِسْوَةٍ أَتَيْنَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ: إِنَّ زَوْجِي لَا يَأْكُلُ اللَّحْمَ- وَ قَالَتِ الْأُخْرَى إِنَّ زَوْجِي لَا يَشُمُّ الطَّيِّبَ- وَ قَالَتِ الْأُخْرَى إِنَّ زَوْجِي لَا يَقْرُبُ النِّسَاءَ- فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَجْرُ رِدَاءَهُ حَتَّى صَعِدَ الْمِنْبَرَ- فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ- مَا بَالُ أَقْوَامٍ مِنْ أَصْحَابِي لَا يَأْكُلُونَ اللَّحْمَ- وَ لَا يَشْمُونَ الطَّيِّبَ وَ لَا يَأْتُونَ النِّسَاءَ- أَمَا إِنِّي أَكُلُ اللَّحْمَ وَ أَشُمُّ الطَّيِّبَ وَ أَتِي النِّسَاءَ- فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي فَلَيْسَ مِنِّي (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۰۷)؛ از امام صادق (ع) روایت شده که سه زن پیش پیامبر (ص) آمدند و از شوهرانشان شکایت کردند. یکی از آنان گفت: شوهرم گوشت نمی‌خورد. دیگری گفت: شوهرم بوی خوش را بر خود تحریم کرده است و سومی گفت: شوهرم ارتباط با زن‌ها را بر خود حرام نموده است. پیامبر (ص) از خانه خارج شد، درحالی‌که ردایش کشیده می‌شد تا آنکه به منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: چه شده‌اند اصحاب من را که برخی گوشت نمی‌خورند، برخی از بوی خوش استفاده نمی‌کنند و برخی از زنان دوری می‌کنند؟ اما من هم گوشت می‌خورم، هم بوی خوش استفاده می‌کنم و هم با زنان ارتباط می‌گیرم و هرکس از سنت من روبرگرداند، از پیروان من نیست.»

پیامبر (ص) متوجه است که حفظ نظام اجتماعی درگرو حفظ نظام خانوادگی است و یکی از عواملی که بنیان خانواده را سست می‌کند، کناره‌گیری مردان از امور مربوط به روابط زناشویی

است؛ زیرا این امر خود موجب فساد در بستر خانواده و سپس محیط اجتماع می‌شود؛ بنابراین، از سیره‌ی پیامبر<sup>(ص)</sup> ممنوعیت تهدید امنیت خانوادگی قابل‌برداشت است.

## نتیجه‌گیری

در این نوشتار روشن شد، مجرد به معنای زندگی بدون همسر، از دیدگاه قرآن کریم و سنت اهل‌بیت<sup>(ع)</sup>، پیامدهای نامطلوب متعددی دارد؛ یعنی صرف‌نظر از آنکه بر ازدواج و تشکیل نهاد خانواده تأکید فراوان شده، نسبت به پیامدهای منفی مجرد در آیات و روایات، هشدارهای جدی داده شده است تا کسی با انتخاب اشتباه، گرفتار آثار سوء ترک ازدواج نگردد. آثار سوء این پدیده آن‌گونه که در آیات و روایات مطرح شده تعددند؛ اما می‌توان آن‌ها را به دو دسته طبقه‌بندی کرد؛ در بخشی از آن‌ها تنها به شخص مجرد هشدار داده شده است؛ مانند اینکه در شرایط دوری از ازدواج، صیانت از تدین مشکل و بلکه دین‌داری ناقص است؛ همچنین بی‌پروایی نسبت به مسئله‌ی ازدواج، فرایند تربیت را دچار اختلال می‌کند. تربیت مدیریت استعدادها و وجودی است و انسان مجرد که غریزه‌ی جنسی خود را نادیده می‌گیرد، بخشی از وجودش را نادیده گرفته است و چنان‌که در قرآن کریم تصریح شده است، انسان در مجرد به آرامش هم نخواهد رسید. قرآن کریم نهاد خانواده را مایه‌ی آرامش عنوان کرده است و نیز به دلیل اهمیت آن در سرنوشت انسان، پیامبر<sup>(ص)</sup> از ازدواج به‌عنوان سنت خویش یاد نموده است. طبعاً سنت ایشان محدود به این مورد نیست؛ اما توجه معنادار و ویژه‌ی پیامبر به این موضوع، نشان از پیوند مستحکم آن با مجموع تعالیم ایشان دارد؛ زیرا یکی از فلسفه‌های وجودی پیامبری و رسالت تبیین چهارچوب استفاده از مواهب دنیوی است و کسی که با محاسبات اشتباه، مجرد را انتخاب کرده، خود را از یکی از بهترین نعمت‌های الهی محروم نموده است. افزون بر این پیامدها، در برخی روایات، انسان‌های مجرد به فرجام سوء و بدمرگی هشدار داده شده‌اند و اینکه چنین افرادی روز خوشی در زندگی نخواهند دید؛ زیرا مطابق برخی روایات، افراد مجرد از جمله کسانی‌اند که به‌طور مشخص، مورد نفرین خدای متعال واقع شده‌اند. آثار بالا اگرچه در زمره‌ی پیامدهای نامطلوب فردی مجرد دسته‌بندی شده است؛ اما درواقع، دامنه‌ی آن‌ها محدود به زندگی شخصی مجرد نیست، بلکه جامعه را هم خواهد و ناخواه درگیر خواهند کرد و به دلیل اهمیت آن، در آموزه‌های دینی به برخی از آثار اجتماعی آن به‌صورت مشخص نیز انگشت نهاده شده است؛ مانند شیوع فحشا و فساد، گسست نظام خانواده و آسیب‌پذیری امنیت و آسایش مردم. روشن است آثار مبارک ازدواج به مهار و تأمین غریزه‌ی جنسی مهار نمی‌شود؛ اما چنانچه این غریزه از طریق مشروع و مناسب مهار نگردد، هر گزینه‌ی دیگری جز به رواج فساد و فحشا نخواهد انجامید. در برخی روایات از عفت به منشأ همه‌ی خیرات یاد شده است و معلوم است در جامعه‌ای که ازدواج مطرود و متروک می‌گردد، زمینه‌های عفت و حیا آسیب می‌بیند و درهای خیر و برکت منسد می‌گردد و در چنین شرایطی، نهاد خانواده پا نخواهد گرفت و کمترین آثار انحلال آن انقطاع نسل و تهدید سنت حیات انسانی است.

## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آمدی، عبدالواحد؛ تصنیف غررالحکم و درر الکلم؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۶۶ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: انتشارات اسلامی و وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
- ابن فارس، احمد؛ معجم مقائیس اللغة؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- احسائی، محمد بن علی؛ عوالی اللئالی العزیزیه؛ قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق.
- بحرانی، محمد یوسف؛ الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة؛ قم: انتشارات اسلامی و وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ ق.
- برقی، احمد؛ المحاسن؛ چاپ دوم قم، دارالحدیث، ۱۳۷۱ ق.
- چراغ چشم، عباس؛ تربیت اسلامی؛ قم: تربیت اسلامی، شماره ۸، ۱۳۸۴ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم: انتشارات اسلامی و وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ ق.
- \_\_\_\_\_؛ هداية الأمة إلى أحكام الأئمة؛ مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه ۱۴۱۴ ق.
- راغب، حسین؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ لبنان - سوریه: دار العلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ چاپ سوم، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ ق.
- غزالی، محمد؛ احیاء علوم الدین؛ چاپ ششم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ ش.
- فتال نیشابوری، محمد؛ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین؛ قم، دلیل ما، ۱۳۷۵ ش.
- فیومی، احمد؛ المصباح المنیر؛ قم: منشورات دار الرضی، بی تا.
- قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران، مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
- قرشی بنایی، علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامی ۱۴۱۲ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ چاپ چهارم، تهران، دارالتقلین، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمد باقر؛ شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت؛ تهران، کتابخانه حضرت ولی عصر (ع) ۱۳۹۷ ق.
- \_\_\_\_\_؛ مرآة العقول؛ چاپ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
- \_\_\_\_\_؛ بحار الأنوار؛ بیروت - لبنان: مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
- مجلسی، محمد تقی؛ روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه؛ چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیپور، ۱۴۰۶ ق.
- مظاهری، حسین؛ تربیت فرزند از نظر اسلام؛ چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶ ش.
- \_\_\_\_\_؛ اخلاق و جوان؛ چاپ چهارم، قم: شفق، ۱۳۸۷ ش.
- نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل؛ قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.

- نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۷ ش.
- یزدی، سید محمدکاظم طباطبایی؛ العروة الوثقی (المحشی)؛ قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ ق.